



# Barnebokker for Norge

[barnebokker.no](http://barnebokker.no)

آندیسوا ستاره ی فونیل

Skrevet av: Eden Daniels

Illustrert av: Eden Daniels

Oversatt av: Marzieh Mohammadian Haghighi

Denne fortellingen kommer fra African Storybook ([africanstorybook.org](http://africanstorybook.org)) og er videreformidlet av Barnebokker for Norge ([barnebokker.no](http://barnebokker.no)), som tilbyr barnebokker på mange språk som snakkes i Norge.

Dette verket er lisensiert under en Creative Commons

[Navngivelse-Ikkekommersiell 3.0 Internasjonal Lisens.](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/3.0/deed.no)

<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/3.0/deed.no>

آندیسوا ستاره ی فونیل



✎ Eden Daniels

🔗 Eden Daniels

📖 Marzieh Mohammadian Haghighi

🗨️ persisk

📖 nivå 2





آندیسوا چَند پِسر را دَر حالِ فوتبال بازی تماشا  
گَرَد. او آرزو داشت که بَتواند آنها را هَمراهی کُند.  
او از مُربی پُرسید که آیا می‌تواند با آنها تَمرین کُند.

مربی دستايش را روى كمرش گذاشت. و گفت: "تر  
اين مدرسه، فقط پسران فوئبال بازي  
دارند."



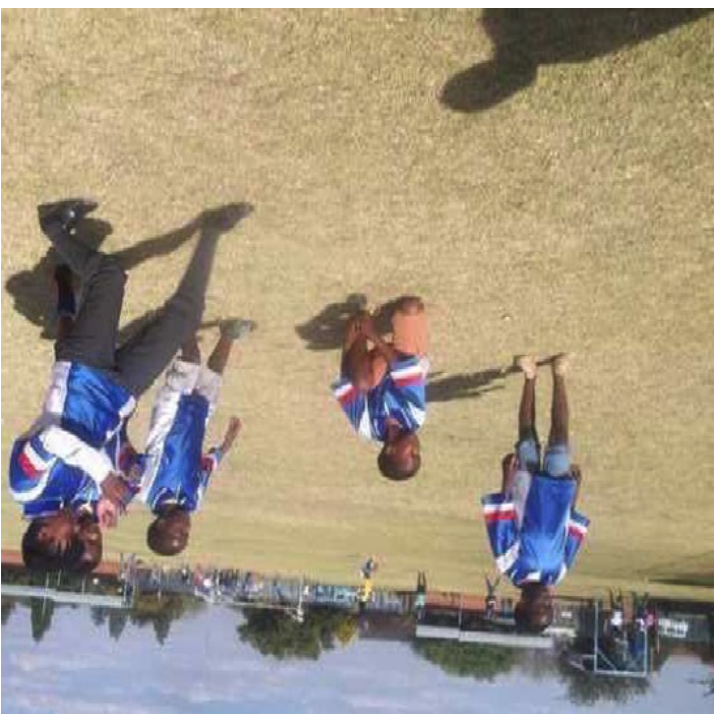


پسرها به او گفتند برو بسکتبال بازی کن. آنها گفتند  
بسکتبال برای دخترهاست و فوتبال برای پسرها.  
آندیسوا آندوهگین شد.



تماشاچیان بسیار هیجان زده شدند. آزان زمان به  
بعد، دخترها هم اجازه ی فوتبال بازی در مدرسه را  
پیدا کردند.

در جریان نیمه ی دوم بازی یکی از پسرها توپ را به سمت داوران داد. اندیسوا پاس با سرعت خیلی زیاد ضربه زد و گل زد.



روز بعد، آن مدرسه یک مسابقه ی فوتبال بزرگ داشت. مربی نگران بود چون بهترین بازیکنش مریض بود و نمی توانست بازی کند.





آندیسوا به سَمَتِ مُرَبِّی دَوید و اِلْتِماسِ کَرَدِ کِه به  
 او اِجازَه یِ بازی بَدَهَد. مُرَبِّی مُطْمَئِن نَبود کِه چِه  
 کاری اَنجام بَدَهَد. بَسِپَس تَصْمِیمِ کَرِفت کِه آندیسوا  
 می تَواند تیم را هَمراهی کُنَد.

بازی سَخْتی بود. هیچکس تا نیمه یِ بازی کُل نَزَدَه  
 بود.